



« آیا هیچگاه نیرویی کوچک میتواند وظیفه‌ای
بزرگ را بردوش بگیرد؟ »

بیاد ششمین سالگشت قیام سرداران

اتحادیهٔ کمونیست‌ها ایران (سرداران) - کمیتهٔ کردستان

از آن روزی که فرمانده جمور سربداران اکاک اسماعیل " در پی یک نبرد دلورانه توسط گلوله های دشمن طبقاتی از پای در آمد ، شش سال گذشت . ۶ سال از لحظه ای گذشت که اکاک اسماعیل با لبخندی تفنگش را به رفیقی سپرد و گفت : " راه را ادامه دهید " بیشک آن لبخند چیزی جز بیان اعتماد استراتژیک به کمونیسم آرمان رهایی پرولتاریا ، و ایمان به اهمیت آن نبرد خونین در شکل دادن به پیشاهنگ پرولتاری در مرصه جامعه نبود . این نشانه روحیه عمومی کمونیستهای در گیر در آن نبرد بود که جسورانه قدم در راههای ناشناخته گذاشته و بدون ترس از شکست جرئت فتح قله های نوینی را بخود دادند .

امروزه در شرایطی قرار داریم که جهان امپریالیستی دستخوش تغییر و تحولات شگرفی است . بحران ناشی از تضادهای درونی سیستم هر روزه ضرباتی کوبنده تر بر لاشه گنبدیده نظام امپریالیستی می گوید . و این نظام را به جنگی جهانی برای تقسیم مجدد آن سوق میدهد و آنرا بیش از پیش به گرداب نابودی می کشاند . اختصا ص بودجه های سرسام آور نظامی همچون ساختن انواع واقسام موشکهای هسته ای از یکسو و مانورهای سیاسی " صلح طلبانه " (ریگان - گورباچف همانند کاهش تقریباً ۳٪ از پنجاه هزار و اندی موشکهای هسته ای از سوی دیگر ... بحران موجود را تشدید و توده ها را به شکل وسیع تری درگیرمسایل سیاسی می نماید . انتقال این بحران جهانی به کشور های مختلف و اقدام آن با بحرانهای خاص هر کشور اوضاع کاملاً شکننده ای را در کشورهای گوناگون بوجود می آورد . فلسطین ، آفریقای جنوبی ، فیلیپین ، کره جنوبی ، هائیتی ، بنگلادش ، افغانستان لهستان ، رومانی و ... نمونه های گویایی بوده که بر عمق یابی این بحران می افزایند و بیش از هر چیز یا های گلبن این نغول را بنمایش درمی آورند .

امپریالیستها و سوسیال امپریالیستها هرروزه با درنده خونی و هاری فزاینده و سیاست چاق و شیرینی و طرحهای سیاسی نظامی گوناگون برای پیشی گرفتن از یکدیگر در بدست آوردن مناطق استراتژیک در جهت مصاف نهایی از یک طرف و از طرفی دیگر کانالیزه کردن انقلابات در مجاری رفرمیستی می کوشند در مناطق یکدیگر نفوذ نمایند . بر بستر چنین اوضاعی منطقه خاور میانه و بلاخص خلیج یکی از نقاط مهم در هم پیچیدگی تضادهای این سیستم است . گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق میلیتاریزه کردن سراسر خلیج برخلاف بلند گویهای تبلیغاتی آنان نه در دفاع از " تجارت " و یا " امنیت آبهای آزاد " بلکه در خدمت تدارک جنگی دو بلوک امپریالیستی غرب و شرق می باشد . تاثیر این اوضاع و معدودیتهای امپریالیستها را می توان بر روی افت و خیزهای جنگ ایران و عراق و شکستندگی رژیم های ارتجاعی منطقه بویژه رژیم جمهوری اسلامی و کام بر داشتن جامعه بسوی جنبشها و بیاخیزیهای اجتماعی و شکل گیری فرصتهای مناسب دید .

در چنین شرایطی یا میتوان مقهور قدرت ظاهری امپریالیستها و مرتجعین شد و بساجین
تذبذب از محدودیتهای خود اصل ساخت و در گنداب تسلیم طلبی و رفرمسم و دنباله روی خوده کاری
(به هر شکلش) تن در داد . یا با حرکت خلاف جریان و بدور از "واقعگرایی" مسمانه و یادری
علمی عالی ترین شکل پیشاهنگ پرولتری را سازمان داد و از فرمتهای مناسب پیش پا در جهت
انقلاب پرولتری جهانی استفاده نمود . امروزه برای کسب قدرت سیاسی در ایران و گام برداشتن

در راه کمونیسم جهانی هیچ فرورشی به اندازه سازمان دادن پیشاهنگ پرولتری - ستاد رزمنده و
رهبری کننده پرولتاریا - حزبی که متکی بر دستاوردهای پرولتاریای بین المللی یعنی مارکسیسم-
لنینیسم اندیشه ماثو باشد ، نمود بارز و روشن ندارد . تعقیق و پیچش اوضاع عینی رنگباختن
بسیاری از آلترناتیوهای غیر پرولتری و قطع امید بسیاری از پیشروان از آنها این ضرورت را بیش از
پیش آشکار ساخته و در این راستا بهترین مصالح را بوجود آورده است .

مسلما در سهای قیام - سرداران در آن مقطع تاریخی برای پاسخگویی به وظایف کنونی و شکل
دادن حزب پیشاهنگ پرولتری اهمیت بسزایی دارد . آیا میتوان چنین وظیفه ای را بعهده گرفت؟
آیا میتوان با نیرویی کوچک وظیفه ای بزرگ را بدوش گرفت ؟ آری میتوان و باید !

این یک حقیقت بنیهی است که در شرایط مناسب به لحاظ عینی یک نیروی کوچک - صم و
مسلح به شناخت علمی قادر است وظیفه ای بزرگ را بدوش گیرد . این اصلی بود کسسه
سرداران با اتکاء بدان به روبرویی با گرگها تاریخی سال ۶۰ زمانیکه تضادهای عینی جامعه
به درجه پختگی خود رسیده بودند ، شافت . و توانست عقب ماندگیهایی را که بدلیل گوناگون
نچارش بود بر طرف سازد و در پیشاپیش انقلاب قدم بر - آرد . اصلی که اختراع تازه از سوی یک
باند شورگر بی هدف بلکه اصلی مارکسیستی-لنینیستی است . که در دو اکتبر پیروزمند شوروی
و چین خود را به اثبات رساند . تنها با اتکاء به این اصل می توان عقبماندگی ها را - جریان و
محدودیتها را بر طرف نمود و به تفسیر حیا موجود پرداخت .

این کار فقط با خلاف جریان حرکت نمودن میسر است ، همانگونه که سرداران در آن برهه
تاریخی در مقابل آمادگی اوضاع عینی و عقب ماندگی عنصر نهی خلاف یا ساختن اندال طلبان
و رویزیونیستی و اگوتومیستی حرکت نمود . و بر علیه دنباله روی از تود ، و کرنش به خودرویی چه
در درون سازمان و چه در سطح جنبش که بصورت تزهایی "چون هنوز وقتش نرسیده" ، " طبقه آماده
نیست" ، " ما ضعیفیم" ، " باید بمیان توده ها عقب نشینی کرد" و ... - که چیزی جز توجیه
تئوریک انفعال ، سازشکاری و تسلیم طلبی نبود مطرح می شد ، شورش نمود . و نشان داد که
نمی توان حرفهای بزرگ زد و از پیشرو بودن صحبت نمود اما به خرده کاری و دنباله روی از وضعیت
موجود پرداخت .

درس دیگری که قیام سربداران در خود داشت این بود که تا زمانی که از طبقات دیگر قطع امید نشود و مسئولیت کل جنبش بعهده گرفته نشود و تمایزات سیاسی - ایدئولوژیک یا طبقات دیگر روشن نگردد ، با سایر جریانهای فکری در درون و بیرون خود که جنبش را به انحراف از راه درست تهدید می نمایند ، تسویه حساب نگردد . نمی توان صحبت از شکل دادن پیشاهنگ پرولتری و برافراشتن پرچم استقلال طبقاتی نمود . و این زمانی امکان پذیر است که در محضه رویارویی با دشمنان طبقاتی و رقبای طبقاتی و در پاسخگویی به وظایف مبرم در نبردهای کوچک و بزرگ فعالانه شرکت نمود ، زیرا حزب پرولتری نه در گلخانه و نه بر مبنای اراده یا خونسازی بلکه در میدان نبرد در همه عرصه ها ساخته میشود . بقول بیانیه جنبش انقلابی نترناسیونالیمستی " حزب م - ل باید در ارتباط نزدیک با پیشبرد کار انقلابی در میان توده ها ، اعمال یک خط انقلابی توده ایی ، و بخصوص توجه به حل مسایل عاجل سیاسی که پیشرفت جنبش انقلابی منوط به حل آنهاست ، ساخته شود اگر این امر انجام نشود ، وظیفه ساختمان حزب یک چیز میرا و جدا از پراتیک انقلابی بوده و به هیچ گجا منتهی نمی شود "

در همین حال با اینکه تجربه سربداران بر این امر مهر تایید گوید که نمی توان در برابر سیر تقدیرتصد و وقایع بویژه در روز تعیین تکلیف و گرهگاه محدودیتها را علم کرد و به هر تلییل از انجام رسالت انقلابی شانه خالی نمود اما از سوی دیگر شکست آن نیز بوضوح نشان دانمیتوان بدون تدارک لازمه از گرهگاهها و برآمدها در سطح ملی حداکثر استفاده را برد . برای استفاده از فرصتها باید قابلیت رهبری نبردهای کوچک ، جذب نیروها و توان حل تضادهای پیش یا رایجاد نمود . و این امر در اساس ممکن نیست مگر با روشن شدن بر روی برنامه پایه ای حزب ، بعنوان حلقه کلیدی کیفیت حزبی ، که توانایی استفاده و سازمان دادن نیروها و قابلیت شناخت و تحمل تضادها و سمت و سو دادن به آنها در راستای کموتیسم ، را ایجاد میکند .

ویژگی دیگر سربداران این بود که بدون داشتن آن حلقه کلیدی (حزب) از انجام وظیفهای که شرایط آنرا بوجود آورده بود یعنی شروع مبارزه مسلحانه در خدمت کسب قدرت سیاسی که وظیفه مرکزی حزب پیشاهنگ پرولتری است سر باز نزد . هر چند هیچ فرمول مطلق در کار نیست که نتوان قبل از ایجاد حزب ، مبارزه مسلحانه را آغاز نمود . و این ممکن نیز می باشد . ولی ایجاد حزب حلقه کلیدی و تعیین کننده پیشرفت مبارزه مسلحانه و ضامن پیروزی آن است . و این خود یکی یکی از ضعفهای سربداران نیز بود که تلاش های جدی ایی برای ایجاد حزب پرولتری سازمان نداد که در آن مقطع با به فرجام رساندن مبارزه دو خط درون سازمان و بعهده گرفتن مسئولیت آن در سطح کل جنبش امکان پذیر بوده و آنگاه گسترش و ساختمان حزب پیشاهنگ انقلابی و سازمانی قابل اتکا در بعدی سراسری منوط به گسترش مبارزه مسلحانه می شود .

امروزه ایجاد حزب برای ما درتداخل دیالکتیکی با نحوه نگرش به اوضاع و جهست -
گیربهای مومسنفی و بویژه نگرش انترناسیونالیستی ما قرار دارد، که درجهت تقویت هر چه بیشتر
جنبش انقلابی انترناسیونالیستی قرار گیرد. تصریح پیرویه تدارک ایجاد حزب نیز با تمکیم
بمشروان بر روی مسائرها و تحریک آنها بر روی سئوالات هیاتس پیش پای ما و پیشبرد مسائرها
مسلحانه برای کسب قدرت و غنی نمودن کیفیت خط سیاسی ایدئولوژیک و کسب کمبتهای لازم و
از همه تمهین کننده تر ارائه یک نقشه و برنامه معین برای دستیابی به کیفیت حزبی امکانپذیر
میباشد.

این ، آن وظیفه بزرگی است که باید بدوش گیریم ، و اوضاع عینی نیز ما را دربعده گرفتار
این مسئولیت بخود فرامیخواند. اگر سربداران آغاز یک گسست از ایده های کهنه بود این وظیفه
ماست که با دامن زدن به مبارزه برای روشنتر کردن و تدقیق خط مشی صحیح سیاسی ایدئولوژیک
برنامه و استراتژی ، سنتز تجارب گذشته ، به گسستی عمیق تر و کاملتر از رویزیونیسم و سایر
انحرافات ، دست یابیم و این عاجلترین و اضطراری ترین وظیفه را برانجام رسانیم . قطعاً درسهای
شورش سربداران بر علیه انحرافات کهنه جایگاه ویژه ای در قام نهادن دراین مسیر برای ما خواهد
داشت . دراین راه نباید از ناشناخته ها اصل ساخت و قدم درراه صعود به قله ها نگذاشت .
مسلماً " گام نهادن و ادامه دادن در مسیر انقلابی هرگز امر ساده ای نیست . اما تمام راههای
آسان فقط گرایش به عقب دارند ما باید عزم کنیم که در مسیر دشوار و رفیع انقلاب گام برداریم "
بعنوان یک نیروی کوچک وظایف بزرگ را بعده گیریم . اگر شایسته نام بر افتخار کمونیست
هستیم به میدان فرا خوانده شده ایم .

اتحادیه ۴ کمونیستهای ایران (سربداران) - کسبه ۴ کردستان

۶۶ / ۱۱ / ۵

بیاد ششمین سالگشت قیام سربداران

"... اما خطاست اگر تصور شود عملیات انقلابی ترور و ضربت و بمب گذاری ها نیکه امروز در حومه مخالفت انقلابی با حکومت رواج یافته میتواند بمنزله یک برنامه جنگی جدی برای انقلابیون تلقی گردد. این عملیات که به قول اجراء کنندگان آن جنبه ایفائی دارد و واقعا هم صرفا دارای جنبه ایفائی است و تنها دشمن را اهناء می کند، حال آنکه یک برنامه جنگی واقعی در شرایط کنونی باید نابودی و نه اهنای دشمن را هدف قرار دهد... ارتقاء این نوع عملیات به سطح برنامه اصلی انقلابیون و تصور اینکه با این نوع صلیات میتوان پای حل مسئله قدرت رفت، با دشمن را به موقعیت تدافعی و حلق را به موقعیت تهاجمی کشانید، اشتباه آهیز است."

(بمنقل از نشریه حقیقت شماره ۱۳۹ شهریور ۱۳۴۰ مقاله یادداشت سیاسی روز)

"برنامه پرولتاریایی در کشور ما امروز تنها یک برنامه جنگی میتواند باشد، برنامه جنگی پرولتاریا قیام مسلحانه است. لیکن این برنامه با پیشقراولی و ابتکار جناح متشکل وابسته به این طبقه می تواند و باید به مرحله اجرا در آید. ای کمونیستها و گروههایی که به استناد و امتقادات کمونیستی خویش مدعی پیشرو بودن و پیشقراول بودن هستید، هم اکنون زمان نشان دادن پیشرو بودنتان است. بزرگترین اشتباه در اوضاع خطر کنونی اینست که گروههایی که جنبش کمونیستی ما را تشکیل میدهند، هنوز کاری نکرده، شکستی نخورده پای انجام تکلیف تاریخی و بزرگی که شرایط و تاریخ در برابر آنها نهاده است نرفته، در خود فرو روند."

(همانجا)

"این مطالب را از این لحاظ در اینجا طرح کردیم که همزمان ما جنبش کمونیستهای کشور ما طبعاً هنوز نیروی کوچکی را در جنبش سیاسی تشکیل میدهند، در روبروی ما شرایط انفجار آهیز و جانبازی طلب کنونی کشور که وظیفه قیام را در دستور کار قرار میدهد، خود را سازند و تصور نکنند که کوچکی و قلت فعلی ما میتواند بار چنین وصفه ای را از دوش ما بردارد. یا آنکه گویا به علت کوچکی ضعف نسبی ما انجام چنین وظیفه ای ناممکن است. بر عکس بسیار هم ممکن و در حد توانایی ما است، فقط تشخیص وظیفه، تصمیم و تفکری حسم، خلاق لازم است."

(بمنقل از حقیقت شماره ۱۴۱ - مهر ماه ۱۳۴۰ - مقاله آیا هیچگاه نسویی کوچک میتواند وظیفه ای بزرگ را بر دوش گیرد.)

" بدانید ای رفقا ، که در جریان زود خوردهای تاریخی و تکامل مبارزه طبقات و ملت‌ها لحظاتی پیش می‌آید که فیرت ، همت ، سرعت عمل ، تصمیم و عزم جازم در تعیین شکست نیروهای کسبه جنبش انقلابی و ترقیخواهانه یک کشور را نمایندگی میکنند ، در تعیین شکست یا موفقیت‌آمیزی یا مرحله‌ای جنبش در آن کشور ، نقشی عظیم ایفاء میکند . به عبارت دیگر نحوه برخورد و رفتار عوامل نهی محیط یعنی دسته‌ها و سازمانها و رهبران آنها در این لحظات تعیین کننده میشود . این حکم درباره همه نیروها ، کوچک و بزرگ ، از جمله ما کمونیستها صادق است . در چینیسم زمانهایی گاه میشود که جنبش عظیم و تشکیلاتی وسیع و پرنفوذی بدلیل تنگنای و شل کاری و عدم اعتماد بنفس و یا برعکس غرور بیجا و در نتیجه سهل انگاری رهبران ناگهان از هم می‌پاشند و به تکه های خرد و پراکنده‌ای تبدیل میشوند ، و حال آنکه بر عکس گروه‌های کوچک و نوپایی به دلیل درک صحیح و بموقع بوظیفه شناسی و غیرتمندیشان ناگهان به نیرویی منسجم و عظیم و عاملی قطعی در تکامل آتی مبارزه تبدیل میگردند . " (همانجا)

" امروز ما کمونیستها باید بپا خاسته و دلیرانه پرچم نبرد با دشمنان مردم را در یکی از خطرناکترین لحظات تاریخ کشورمان بدوش گسیسیم و بدوش میگیریم . اتحادیه کمونیستهای ایران وظیفه خود دید که این پرچم را بدوش گیرد و بدوش گرفت ، ولی هشدار که مشی های انحرافی و خودپرستی های موجود در جنبش ما مانع از انجام این تکلیف تاریخی توسط همه ما گردد . اکنون به تحقیق روشن است که هر جریان در جنبش ما که در حال حاضر راهی جز از قیام مسلحانه برگزینند قطعا در برابر واقعیت ستبر موجود که همه چیز را تابع تنگ گردانیده ، خواهد پاشید و بقاء نخواهد یافت . آن رهبرانی که در شرایط تاریخی موجود پیروان خویش را به صبر و انتظار و بی فعالیت های عادی روزمره ای که مرکز ثقل آنها را نبرد مسلح تشکیل نمی دهد دعوت می کنند راه انفعال و نابودی سیاسی خویش را هموار می کنند و همچنین بره وار هواداران خویش را به زیر تیغ دشمن می کشانند . آنها فردا بیشک مورد لعن تاریخ و بازمانندگان حرکت خوش قرار خواهند گرفت . "

(بنقل از اعلامیه " پیام اتحادیه کمونیستهای ایران خطاب به همه کمونیستهای ایران - ۸ دیماه)

(۱۳۶۰)

" قدرت سیاسی از لوله تنگ بیرون می آید بدون اعمال قهر انقلابی هیچ طبقه و ملتی نخواهد توانست حقوق پایمال شده خود را از چنگال جباران بیرون کشد . تاریخ بشریت ، تاریخ جنسیت

طبقات و پیکارهای خونین بین مرتجعین حاکم و رنجبران محکوم است ، این روند بی چون و چرا و همیشگی و همه جایی تاریخ است . "

(بنقل از بیانیه قیام پنجم بهمن آمل)

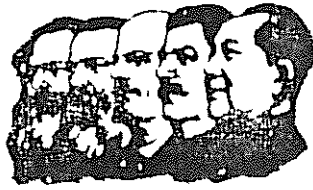
کاک اسماعیل را کوه‌های استوار و سر بلند کردستان بسه
انقلابا بیابان تقدیم کرد. قبل از قیام ۵۷ وی
از سازماندهان برجسته جنبش کارگری در کارخانه تراکتور
سازی تبریز بوده و در جریان چنین جنبشی پرورش یافت .
او در تابستان ۵۸ از رهبران جنگ دهقانی گرفتو علیه
فئودالهای مرتجع و همچنین تشکیل اتحادیه‌های دهقانی در
آن منطقه بود. کاک اسماعیل دو ویژگی برجسته داشتیم :
رهبری توده‌ای و سخنوری برجسته بود که آتش خشم و کینه
را در قالب کلمات می ریخت ، کلام اسماعیل اشک را از
چشم هزاران دهقان ر زحمتکشان کرد جاری می ساخت آنان
را به هیجان می آورد و اشک و هیجانها را به خشمی آگاهانه
و انقلابی بدل می کرده .

دهقانان کردستان خاطره این رهبر کمونیست را در ذهن
خود جاودانه ساخته اند . کاک اسماعیل به همه رفقا .
خصوصا آنان که تحت رهبریش فعالیت می کردند عشق و صف
ناپذیری داشت .

در جریان نبردها هرگاه ^{بسی}بخطر می افتاد او چنان سراسیمه
بسی می شتافت که هرآن نزدیک بود هدف گلوله های
دشمن قرار گیرد ، بسیار اتفاق می افتاد که دیگر یاران شب
توسل به زور وی را از حرکت بر چنین مواقعی بازدارند .

قیام تاریخی آمل شایسته چنین فرمانده بی بساگ و
فداکاری بود ، زمانیکه خون کاک اسماعیل خاک آمل را
گلگون ساخت رفیقی با شتاب خود را باو رساند ، کساک
اسماعیل لیخندی زد و اسلحه اش را به دست رفیقش داد
و گفت "تا به آخر بایستید " ، کاک اسماعیل در آخریسن
لحظه نیز اشک رفیقان را به خشم و عزم انقلابی بدل ساخت .





www.iran-archive.com

انتشارات :

اتحادیه کمونیستهای ایران (سرمداران) م

کمیته کردستان

نیمین ماه ۶۶